

الله الرحمن الرحيم

A decorative flourish consisting of a large, solid black diamond shape with a small, solid black diamond shape at its bottom vertex.

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و  
نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه  
متعلق به دانشگاه رازی است.



دانشگاه رازی

دانشکده علوم اجتماعی

گروه علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

عنوان پایان نامه

جامعه‌شناسی تاریخی و توهمات شناختی نظریه مدرنیزاسیون در ایران از

۱۳۳۲-۱۳۵۷

استاد راهنما:

دکتر قدرت احمدیان

استاد مشاور :

دکتر محمد ابوالفتحی

نگارش:

نعمت ناصری آرا

خرداد ۱۳۹۲

تقدیم به:

مادر م به خاطر مهربانی‌هایش

و پدر م به خاطر زحماتش .

## چکیده:

مقوله نوسازی امری است که تمامی کشورهای که به دنبال رسیدن به سطحی از مدرنیته هستند، از آن بهره می‌گیرند تا بتوانند همانند کشورهای توسعه یافته جهان به سطحی از پیشرفت و نوسازی دست یابند. این اقدامات به دلیل آنکه در کشورهای غربی موفقیت آمیز بود، در ایران نیز در رژیم محمدرضا شاه پهلوی (مخصوصاً از ۱۳۳۲-۱۳۵۷) پی گرفته شد، اما نتیجه آن به جای ایجاد ثبات و پیشرفت در کشور رواج نوعی بی‌ثباتی در ایران بود. یکی از دلایل اصلی این امر، مشکلاتی بود که در متدولوژی نظریه مدرنیزاسیون وجود داشت و دست اندرکاران نوسازی در ایران نیز به آن دچار بودند. براین اساس در این پژوهش به دنبال آن هستیم تا مشکلات روش شناختی نظریه مدرنیزاسیون را بررسی کنیم و از سوی دیگر علل و عوامل ایجادکننده بی‌ثباتی در رژیم پهلوی را براساس دیدگاه نظریه پردازان جامعه شناسی تاریخی تحلیل و بررسی نمائیم؛ لذا در این رساله به بررسی روش شناختی نظریه نوسازی و تفکرات پوزیتیویستی از یکسو و انتقادات نظریه جامعه شناسی تاریخی بر این مشکلات از سوی دیگر پرداخته خواهد شد تا براساس نظریه جامعه شناسی تاریخی بتوان به ارائه یک تحلیل علمی از نوسازی رخ داده در ایران ۱۳۳۲-۱۳۵۷ پرداخت که نتیجه آن ایجاد بی‌ثباتی نه پیشرفت برای کشور بود. تأکید اصلی پژوهش حاضر براساس نظریه جامعه شناسی تاریخی بر غیراجتماعی و غیرتاریخی بودن نظریه مدرنیزاسیون در ایران است که این دو عامل سبب سقوط و شکست اقدامات انجام شده در این راستا گشتند و توهمات شناختی نظریه نوسازی را در چهار مورد شی انگاری، تغییرناپذیری، طبیعی دیدن و هم ریختی بررسی خواهیم نمود. روش گردآوری اطلاعات در این رساله استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و فیش برداری می‌باشد که داده‌های به دست آمده، بر اساس روش تحلیلی-توصیفی بررسی خواهند شد.

کلید واژه ها: نوسازی، غیرتاریخی بودن، غیر اجتماعی بودن، توهم.

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: کلیات

۲	۱-۱- بیان مسئله.....
۴	۲-۱- ادبیات و پیشینه‌ی پژوهش .....
۶	۳-۱- سؤال اصلی .....
۶	۴-۱- فرضیه اصلی .....
۶	۵-۱- تعریف عملیاتی متغیرها.....
۷	۶-۱- روش تحقیق .....
۸	۷-۱- روش گردآوری داده‌ها .....
۸	۸-۱- دامنه زمانی-مکانی .....
۸	۹-۱- ضرورت‌ها و اهداف پژوهش .....
۸	۱۰-۱- اهمیت پژوهش .....
۹	۱۱-۱- سازماندهی بحث .....

### فصل دوم: جامعه‌شناسی تاریخی و مدرنیزاسیون

۱۱	مقدمه .....
۱۲	۱-۲- گفتار اول: جامعه‌شناسی تاریخی.....
۱۲	۱-۱-۲- کلیات.....
۱۶	۲-۱-۲- تعاریف.....
۱۸	۳-۱-۲- تاریخی بودن و اجتماعی بودن در جامعه‌شناسی تاریخی .....
۲۴	۴-۱-۲- نتیجه‌گیری .....
۲۵	۲-۲- گفتار دوم: روش‌شناسی مدرنیزاسیون.....
۲۵	۱-۲-۲- مقدمه .....
۲۶	۲-۲-۲- کلیات .....
۲۷	۳-۲-۲- شاخص‌های نوسازی .....
۲۹	۱-۳-۲-۲- سکولاریسم .....
۲۹	۲-۳-۲-۲- اومانیزم .....

۳۰	..... عقل گرایی ۲-۳-۳-۳
۳۱	..... صنعتی کردن ۲-۳-۴-۴
۳۲	..... اثبات گرایی و نوسازی ۲-۴-۲-۴
۴۰	..... نتیجه گیری ۲-۵-۲-۲
۴۱	..... ۲-۳-۳-۳: جامعه شناسی تاریخی انتقادی و روش شناسی مدرنیزاسیون
۴۱	..... ۲-۳-۱-۱: مقدمه
۴۲	..... ۲-۳-۲-۲: روش شناسی انتقادی و پوزیتیویستی
۴۶	..... ۲-۳-۳-۳: ویژگی های شناختی نظریه مدرنیزاسیون
۵۰	..... ۲-۳-۴-۴: جامعه شناسی تاریخی، تاریخ گرایی و نفی اثبات گرایی
۵۱	..... ۲-۳-۵-۵: جامعه شناسی تاریخی، اجتماعی بودن و نفی اثبات گرایی
۵۴	..... نتیجه گیری

#### فصل سوم: مدرنیزاسیون در ایران و بن بست های آن

۵۷	..... مقدمه
۵۷	..... ۳-۱-۱: کلیات: (مقدمه ای بر پیشرفت های رژیم پهلوی از ۱۳۳۲-۱۳۵۷)
۶۱	..... ۳-۲-۲: بی ثباتی های اقتصادی
۶۱	..... ۳-۲-۱-۱: مقدمه
۶۳	..... ۳-۲-۲-۲: بالا رفتن واردات و تخریب کشاورزی
۷۰	..... ۳-۲-۳-۳: عدم وجود صنایع مستقل ملی و توسعه صنعت وابسته
۷۷	..... ۳-۲-۴-۴: توسعه وابسته به نفت
۸۰	..... ۳-۲-۵-۵: توسعه ایجادگر بیکاری گسترده در میان کشاورزی
۸۲	..... ۳-۲-۶-۶: اوضاع اقتصادی در سال ۵۶
۸۸	..... ۳-۲-۷-۷: بالا و پایین شدن رشد اقتصادی و درآمد
۹۰	..... ۳-۲-۸-۸: نتیجه گیری
۹۱	..... ۳-۳-۳-۳: شکست های نوسازی از لحاظ سیاسی (بی ثباتی سیاسی)
۹۱	..... ۳-۳-۱-۱: مقدمه
۹۲	..... ۳-۳-۲-۲: کلیات: اوضاع سیاسی ایران پس از کودتا
۹۳	..... ۳-۳-۳-۳: فقدان نظام رقابتی
۹۶	..... ۳-۳-۴-۴: عدم وجود آزادی ها
۱۰۰	..... ۳-۳-۵-۵: نتیجه گیری

۱۰۰.....	۳-۴- شکست‌های نوسازی از لحاظ فرهنگی
۱۰۰.....	۳-۴-۱- مقدمه
۱۰۱.....	۳-۴-۲- کلیات
۱۰۲.....	۳-۴-۳- اقدامات ضد مذهبی و جایگزینی آن با ارزش‌های غربی
۱۰۸.....	نتیجه‌گیری

#### فصل چهارم: جامعه‌شناسی تاریخی و بن‌بست‌های نوسازی در ایران

۱۱۱.....	مقدمه
۱۱۳.....	۴-۱- توهم
۱۱۵.....	۴-۲- توهم شیء‌انگاری
۱۲۸.....	۴-۳- توهم طبیعی دیدن و تغییرناپذیری
۱۴۳.....	۴-۴- توهم هم‌ریختی
۱۴۹.....	نتیجه‌گیری

#### فصل پنجم: نتیجه‌گیری

۱۵۱.....	۵- نتیجه‌گیری
۱۶۴.....	فهرست منابع



## فهرست جداول

صفحه	عنوان
۴۵.....	۱-۲ جدول مختصات نظریات انتقادی و پوزیتیویستی.....
۵۳.....	۲-۲ اختلافات نظریه سنتی و جدید نوسازی.....
۷۴.....	۱-۳ کمک‌های نظامی و اقتصادی آمریکا.....
۷۶.....	۲-۳ میزان کمک‌های خارجی و درآمدهای نفتی ایران ۱۳۳۲-۱۳۵۷.....

# فصل اول

## کلیات

## ۱-۱- بیان مسئله:

نظریه نوسازی به عنوان یکی از نظریات مکتب پوزیتیویستی می‌باشد که ریشه در آرا متفکرین غربی (اروپایی و آمریکا) دارد و دارای یک دیدگاه خوش‌بینانه نسبت به آینده تمام جوامع می‌باشد و معتقد است که بر اساس تجربه کشورهای جهان توسعه یافته یا جهان اول و کشورهای مرکز می‌توان جوامع جهان سوم را نیز بر همان اساس و با همان روش به مرحله پیشرفت و توسعه رساند.

در واقع، نظریه نوسازی به تحولات اجتماعی در جوامعی می‌پردازد که نظام‌های اقتصادی و اجتماعی آنها دستخوش دگرگونی سریع می‌شوند. این نظریه در تبیین‌های تکاملی سنتی دگرگونی اجتماعی ریشه دارد، و مولود این عقیده است که دگرگونی هم کمی و هم کیفی است و ریشه‌های فکری این نظریه به آثار تکامل‌گرایان اروپایی سده‌های هجدهم و نوزدهم میلادی یعنی فیلسوفان فرانسوی و بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی مدرن، آگوست کنت و امیل دورکیم، فیلسوف انگلیسی هربرت اسپنسر و فیلسوف آلمانی مارکس، بازمی‌گردد. که هر کدام از آنها کوشیده‌اند به شیوه‌ای متفاوت و خاص تحول از جامعه ماقبل صنعتی به جامعه صنعتی را تبیین کنند. (برایان کلاو اسمیت: ۱۳۸۷، ۱۰۷)

در واقع بیشتر کشورهای جهان برای بهبود اوضاع سیاسی و اقتصادی خود نوسازی را در پیش می‌گیرند و کشورهای اروپایی از دوران رنسانس اقداماتی در جهت نوسازی خود انجام داده‌اند، و با توجه به تجربه موفق کشورهای غربی اکثریت سایر کشورهای جهان نیز به ایجاد نوسازی در کشورهای خود دست زده‌اند.

در کشور ایران نیز از دوران قاجار مقوله نوسازی مورد توجه قرار گرفته است ولی اقدامات چندانی در این زمینه انجام نگردید، تا زمان انقلاب مشروطه که همراه آن، برخی نمادهای مدرنیته از جمله قانون اساسی و مجلس شورای ملی و انتخابات و... وارد ایران شد اما با سرکوب مشروطه خواهان این امر نیز چندان نتیجه بخش نبود و به شکست انجامید.

در زمان حکومت رضاشاه پهلوی نیز امر مدرنیزاسیون ایران در پیش گرفته شد و اقداماتی از جمله تأسیس راه آهن، ایجاد دانشگاه، توسعه ارتباطات و زیر ساخت‌ها، ارتش مدرن و سازمان یافته و... در این دوران انجام گرفت. ولی با وقوع جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین، رضا شاه از سلطنت برکنار شد و این مرحله از نوسازی نیز در ایران با وقفه مواجه شد.

پس از برکناری رضاه شاه، در دهه ۱۳۲۰ نیز که همراه شده بود با اشغال ایران توسط نیروهای متفق و ضعف دولت مرکزی و بی‌تجربگی محمدرضاشاه؛ اقدامات چندانی در جهت نوسازی کشور به عمل نیامد و

در اواخر این دهه ملی گرایان به رهبری محمد مصدق قدرت (پست نخست وزیری) را در دست گرفتند تا اینکه در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شاه با انجام کودتایی مصدق را از نخست وزیری عزل کرد و از این تاریخ قدرت را شخص شاه در دست گرفت .

از این زمان به بعد است که تاریخ جدیدی در ایران ورق می خورد و پس از حدود ۱۲ سال ضعف حکومت مرکزی و چندپارگی قدرت بین مجلس، نخست وزیران، خارجیان (که مخصوصاً پس از اشغال ایران در امور بسیار دخالت و نفوذ داشتند)، شاه و دربار ؛ یک حکومت مرکزی نیرومند با رهبری شخص محمدرضا پهلوی به وجود می آید. بنابراین از سال ۱۳۳۲ به بعد با تشکیل قدرت مرکزی نیرومندی توسط محمد رضا شاه؛ حرکت به سمت نوسازی و سامان دادن اوضاع کشور آغاز می گردد. از جمله اقدامات شاه در جهت نوسازی ایران می توان به مواردی همچون: انجام برنامه های توسعه (که از ۱۳۲۷ این برنامه ها را شروع کرده بود ولی از برنامه دوم به بعد به شکلی جدی پیگیری شد)، اصلاحات ارضی، افزایش تعداد مدارس و دانشگاه ها، تجهیز هرچه بیشتر ارتش (ارتش ایران پنجمین ارتش دنیا و یکی از مجهزترین ارتش های منطقه شد)، ایجاد و توسعه نهادهای قانونی و قضایی، گسترش ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی همچون تلفن، تلگراف، رادیو و تلویزیون، توسعه شبکه های بهداشتی و ایجاد و توسعه نهادهای سیاسی همچون احزاب و... اشاره کرد ؛ که تمام این اقدامات با افزایش قیمت نفت مخصوصاً از سال ۱۳۵۱ شتابی چند برابر گرفت، اما تاثیرات این نوسازی و اقدامات شاه بر جنبه ثبات سیاسی داخلی کشور نیز جالب توجه است .

انجام این اقدامات می بایستی با خود موجی از ثبات، پیشرفت و امنیت را برای کشور در تمام زمینه ها به ارمغان می آورد ولی این اقدامات به جای برقراری ثبات و امنیت و سامان سیاسی در جامعه، سبب ایجاد بی ثباتی گشت. به گونه ای که مخصوصاً از سال ۱۳۴۲ به بعد مجدداً شاهد رشد گروه های چپ (همانند حزب توده و سازمان های چریکی چپ)، گروه های ملی گرا همچون جبهه ملی دوم و سوم، سازمان نهضت ملی ایران، حزب ملل اسلامی و... و گروه های اسلامی همچون مجاهدین اسلام و فدائیان اسلام و... هستیم. که همگی با رویکردی علیه حکومت حاکم بر سر کار آمدند.

علاوه بر این در این زمان است که شاهد اعتراضات و اعتصابات و مخالفت هایی علیه شاه و اوضاع کشور می باشیم، که در اغلب این حرکتها نیروهای سنتی (روحانیت و بازار و...) و نیروهای ملی-مذهبی و روشنفکران مذهبی و چپ و گروه های چریکی همانند مجاهدین اسلام، فدائیان اسلام، فدائیان خلق و... وجود دارند که دست به اقداماتی همچون تحصن و راهپیمایی های مردمی در تهران و سایر شهرهای بزرگ کشور، اعتصابات کارگری (مثل اعتصابات کارگران در شرکت نفت جنوب)، حرکت های چریکی همچون اقدام در زمان برگزاری جشن های ۲۵۰۰ ساله و حادثه سیاهکل و... می زنند، که هرچه به اواخر دهه ۵۰ می رسیم این اعتراضات پررنگ تر می شود.

در واقع اقدامات نوسازانه رژیم پهلوی به علت آنکه تقلیدی بود از نوسازی غرب و در حقیقت مشکلات روش شناسی ای که در نظریه نوسازی در غرب وجود داشت به ایران نیز با همان شدت و حدت انتقال یافته بود سبب شد که بتدریج ساختارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی کشور به سمت بی‌ثباتی حرکت کند که عامل اصلی این امر در مشکلات و توهّمات روش شناختی نظریه مدرنیسم بود. بنابراین بایستی به این امر که چرا نوسازی ایران به جای رواج ثبات و امنیت در کشور سبب بی‌ثباتی و بن‌بست‌هایی گشت پاسخ داده شود و سعی خواهد شد از دیدگاهی روش‌شناسانه مقوله نوسازی و مشکلات آن بررسی گردد.

## ۱-۲- ادبیات و پیشینه‌ی موضوع:

اما علت و چرایی این اتفاق و ریشه‌های این امر قابل بررسی و واکاوی است و جای بحث فراوان دارد. تا کنون بررسی‌ها و تحقیقات بسیاری در مورد تاریخ حکومت پهلوی از منظر تاریخی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی انجام شده است ولی بیشتر این مطالعات و بررسی‌های انجام شده؛ اقدامات و رویدادهای دوران حکومت محمدرضا شاه را مورد بررسی قرار داده‌اند و پس از آن کانون بحث خود را بر نتیجه این رخدادها که سقوط پهلوی و وقوع انقلاب اسلامی است، متمرکز کرده‌اند. در واقع در همه این بررسی‌ها به نوعی به بررسی علل سقوط رژیم پهلوی پرداخته شده است، آثاری که در این مورد وجود دارند را می‌توان در ۵ دسته طبقه‌بندی نمود:

دسته اول مطالعاتی است که با رویکرد ارزشی انجام شده‌اند و در اینجا می‌توان از افرادی چون نیکی کدی در کتاب "ریشه‌های انقلاب ایران"؛ آصف حسین در کتاب "ایران اسلامی؛ انقلاب و ضد آن"؛ علی دوانی در کتاب "نهضت روحانیون ایران"؛ جلال‌الدین فارسی در کتاب‌های "انقلاب تکاملی اسلام، فلسفه انقلاب اسلامی، چهار انقلاب و دو گرایش مکتبی و دنیا - دولتی"؛ عباس علی عمید زنجانی در کتاب "انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن"؛ حامد الگار در کتاب‌های "ریشه‌های انقلاب اسلامی و انقلاب اسلامی در ایران"؛ حمید عنایت در کتاب "مذهب در قالب ایدئولوژی سیاسی" و ... اشاره کرد، که همگی این نظرات از دیدگاه ارزشی به بررسی اقدامات و نتایج پیش از سقوط پهلوی اشاره کرده‌اند و ضمن تک‌نگری به نوعی دارای مشکل روش‌شناسی می‌باشند.

دسته دیگری از مطالعات به تحلیل روانشناسی پرداخته‌اند که می‌توان از افرادی چون: ماروین زونیس در کتاب "شکست شاهانه"؛ جیمز دیویس "منحنی ل"؛ تد رابرت گار، حسین بشیریه، فرخ مشیری در کتاب "دولت و انقلاب اجتماعی در ایران" یاد کرد. که اقدامات شاه را همراه با سطحی از بهبود در اوضاع مردم می‌دانند که نزول این اوضاع نارضایتی‌هایی بهمراه می‌آورد که در نتیجه آن سقوط پهلوی را بهمراه آورد. که بیشتر این آثار به نتایج اقدامات شاه پرداخته‌اند.

دسته سوم به بررسی علل و اقدامات اقتصادی حکومت پهلوی پرداخته اند که افرادی همانند همایون کاتوزیان در کتاب "اقتصاد سیاسی ایران"؛ تدا اسکاچ پیل در مقاله "دولت تحصیل دار و اسلام شیعی در انقلاب ایران" (نظریه اسکاچ پیل در مقاله «دولت تحصیل دار و اسلام شیعی در انقلاب ایران» در زمره رهیافت اقتصاد سیاسی و نظریه اصلی وی در کتاب «دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی» در طیف نظریات ساختارگرایانه درباره انقلاب‌ها قرار می‌گیرد). و... اشاره کرد، که در اینجا نیز توسعه ناهمگون یا دولت رانتیه و تک محصولی، اگرچه در اقدامات اقتصادی شاه و اوضاع حاکم بر سالهای ۳۲ تا ۵۷ حاکم است ولی نمی‌توان این امر را نیز دلیل کافی دانست زیرا به متن جامعه بی توجه است و دیدگاه تاریخ‌نگر به اقتصاد کشور ندارد.

در دسته چهارم و پنجم نیز می‌توان نظرات سیاسی و عوامل خارجی (چند علتی) را لحاظ کرد که در زمینه نظریه سیاسی عمده کسانی که در این دسته جای می‌گیرند، عبارتند از: جرال گرین، آبراهامیان در کتاب "ایران بین دو انقلاب" و... می‌باشند و در بررسی عوامل خارجی نیز می‌توان به افرادی همچون: محمدرضا پهلوی در کتاب "مأموریت برای وطنم"؛ ولیان گریفیت در کتاب "خلیج فارس و اقیانوس آرام در سیاست جهانی"؛ رابرت گراهام در کتاب "ایران؛ سراب قدرت"؛ مهدی بازرگان در کتاب "ایران؛ انقلاب در دو حرکت" که مجموعه‌ای از عوامل خارجی را علت انقلاب اسلامی ایران می‌دانند؛ اشاره کرد.

همچنین می‌توان به افرادی همچون فرد هالیدی در کتاب "دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران" و در مقاله "توسعه ناهمگونی و مردم‌گرایی مذهبی"، جان فوران در کتاب "مقاومت شکننده"؛ فریده فرهی در مقاله "فروپاشی دولت و بحران انقلابی در شهرها؛ تحلیل مقایسه‌ای ایران و نیکاراگوا" به تحلیل چند علتی در مورد اقدامات و عوامل زمان شاه و در نتیجه آن انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. که با وجود چند علتی بودن هیچ کدام از منظر تاریخی و اجتماعی یا به بیان بهتر از دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی به مشکلات رژیم پهلوی و سقوط آن توجهی ننموده‌اند.

به هر حال هیچکدام از نظرات فوق از دیدگاهی جامع که تمام جوانب را در نظر بگیرد به بررسی مقولات اجتماعی و ارزشی و متدولوژیک و اقتصادی به شکلی هم پیوند نپرداخته‌اند و هر کدام به یک مورد یا موارد خاصی توجه کرده‌اند و نقطه مشترک همگی آن‌ها در وقوع انقلاب اسلامی به عنوان نتیجه اقدامات، می‌باشد. در این پژوهش سعی شده است که از دیدگاهی متفاوت به مقوله ریشه‌های سقوط و علل بی‌ثباتی حکومت پهلوی اشاره شود و موضوع نوسازی را به عنوان یکی از دلایل ایجادگر بی‌ثباتی در کشور مورد بررسی قرار خواهد گرفت. لذا سعی می‌شود سیاست‌های حکومت پهلوی در راستای ایجاد مدرنیزاسیون در ایران مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس سؤال و فرضیه اصلی پژوهش حاضر به شرح زیر می‌باشد:

### ۱-۳- سؤال اصلی:

علت عدم موفقیت پروژه نوسازی در ایجاد یک جامعه باثبات و توسعه یافته در ایران بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ چیست؟

### ۱-۴- فرضیه اصلی:

بی‌ثباتی‌ها و بن‌بست‌های پروژه نوسازی در ایران بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ محصول توهّمات شناختی این رویکرد است.

### ۱-۵- تعریف عملیاتی متغیرها

متغیر مستقل در این رساله "توهّمات شناختی" رویکرد نوسازی می‌باشد و متغیر وابسته نیز "ناکامی‌ها و بن‌بست‌های پروژه نوسازی" است.

در مورد متغیر وابسته (اثر پذیر) که؛ ناکامی‌ها و بن‌بست‌های پروژه نوسازی در ایران بود می‌توان چنین توضیح داد که؛ در ایران این ناکامی‌ها در سه بعد خود را نشان داده است که بدین شرح است:

۱. نوسازی در ایران از لحاظ اقتصادی ایجاد یک جامعه صنعتی را در ایران در نظر داشت که به صنعتی شدن منجر نشد.

۲. در زمینه سیاسی نیز نوسازی به ایجاد و تقویت نیروهای اجتماعی حامی سیستم گرایش داشت که چنین نشد.

۳. نوسازی ایران در زمینه فرهنگی نیز بدنبال بسط ارزشهای فرهنگی-سیاسی سکولار در ایران بود که نشد. و در نتیجه در فرضیه‌ی این پژوهش، به علت عدم موفقیت نوسازی در این سه حوزه بود که رژیم پهلوی سقوط کرد.

در تعریف متغیر مستقل (تأثیرگذار) نیز بایستی ابتدا عنوان کنیم که این متغیر که همان توهّمات شناختی است یکسری توهّماتی‌اند که نظریه پردازانی که به شکل خطی و تکاملی به جهان و جوامع می‌نگرند (یعنی روش پوزیتیویستی) به آن دچارند و این نظریه پردازان بر آنند که: تمامی جوامع یک مسیر یکسان و مشابه را می‌گذرانند که نظریه پردازان مکتب نوسازی نیز در این زمره قرار می‌گیرند. نظریه پردازان نظریه نوسازی نیز به شکل خطی به مقوله نوسازی توجه می‌کنند و طبق این نگاه می‌توان چنین بیان کرد که پدیده نوسازی دارای چهار توهّم شی‌گونگی<sup>۱</sup>، طبیعی‌انگاری<sup>۲</sup>، تغییر ناپذیری<sup>۳</sup> و هم ریختی<sup>۴</sup> است. برنامه‌هایی که

---

1- Reification  
2- Naturalization  
3-Immutability  
4- Homomorphic

حکومت پهلوی برای نوسازی ایران بکار گرفته بود نیز به این چهار توهم دچار بودند و در نتیجه آن نه تنها نوسازی رخ نداد بلکه بی ثباتی سیاسی ایجاد شد و در نهایت نیز به سقوط رژیم پهلوی ختم شد. این چهار توهم را می توان بدین گونه تعریف کرد:

۱. **توهم شی انگاری:** یعنی تعمیم دادن مناسبات مادی به مناسبات انسانی. یعنی اینکه برای امور ارزش ذاتی قائل می شوند که به ایجاد نوعی بتواری می انجامد، در اینجا حال را ایستا، خودسازنده و شیء شده می بینند که با متن تاریخی و اجتماعی هیچ گونه رابطه ای ندارد (و در مورد نوسازی یعنی آن را به شکل کالایی و ابزار دین (همانند صنعت و کارخانه) نه در نتیجه روابط و تعاملات اجتماعی دانستن).

۲. **توهم ناشی از طبیعی دیدن:** یعنی یک نوع نگاه و چشم انداز برای دیدنِ واقعیات قائل است که در نتیجه آن نظریه ها بی طرف و فارغ از ارزش می شوند، در اینجا نوسازی یک امر طبیعی قلمداد می شود که در کشورها به شکل خود جوش انجام می گیرد و از دل همه جوامع بیرون می آید، نه فقط برخی جوامع خاص؛ و از بالا نیز تحمیل نمی شود (در حالی که این امر مصنوع و تحمیلی بر جوامع جهان سوم است و طبیعی و خود جوش نیست).

۳. **توهم تغییر ناپذیری:** یعنی اینکه می پندارند که برخی پدیده ها ابدی اند و در برابر تغییرات مقاومت می کنند، در مورد نوسازی نیز آن را پدیده ای تغییرناپذیر می دانند که در تمام مکان ها و در طول تاریخ به یک شکل بوده است و نمی توان آن را تغییر داد و در واقع در اینجا به تأثیر تاریخ و عوامل اجتماعی و روندهای نوظهور در جوامع بی توجهند و دچار توهم تکرارند.

۴. **توهم هم ریختی:** هم ریختی به معنی هم شکل بودن است که بین دو جامعه، پدیده و یا شکل پیش می آید که در آن هر خصلتی که برای اولی پیش آید برای مورد دوم نیز صادق است، نظریه پردازان نوسازی در اینجا معتقدند که تمام جوامع هم ریختند و در نتیجه نوسازی در تمام جوامع به یک شکل و روال بایستی انجام پذیرد. (پس تجربه نوسازی در کشورهای توسعه یافته غربی برای دیگر کشورهای جهان نیز قابل تجویز است)

## ۱-۶- روش تحقیق:

روش تحقیق در این رساله تحلیلی- توصیفی است و از آنجایی که به مبانی نظری نیازمند است، لذا از رویکرد نظری جامعه شناسی تاریخی بهره گرفته شده است، جامعه شناسی تاریخی در واقع یک رشته میان رشته ای است که در آن دو عنصر اصلی تاریخ و اجتماع مد نظر می باشد و موضوع مورد بررسی آن تحولات و دگرگون هایی است که در طول زمان در جوامع مختلف رخ می دهد، لذا این رشته از جامعه ای به جامعه ای دیگر و از تاریخی به تاریخ دیگر متفاوت است و روش شناسی آن در مقابل رشته های دارای روش پوزیتیویستی قرار می گیرد و غیر خطی و غیر تکاملی است.



## ۱-۷- روش گردآوری داده‌ها

ابزار گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و روش آرشیوی بوده و از شبکه جهانی اینترنت و فیش برداری و اسناد و کتاب و آمارهای مربوطه استفاده شده است. در این روش سه مرحله برای رسیدن به اهداف پژوهش استفاده شده است. مرحله اول شامل گردآوری مطالب از کتابها، مجلات، مقالات، اسناد و منابع چند رسانه ای می باشد که در واقع در این مرحله داده های خام پژوهش جمع آوری می شود. در مرحله دوم به دسته بندی مطالب گردآوری شده بوسیله روش فیش برداری پرداخته می شود که مطالب مربوط به پژوهش از سایر مطالب جدا می شود. مرحله سوم عملیاتی شدن پژوهش است که در آن با توجه به داده های خام گردآوری شده و دانش پژوهشگر به تحلیل مطالب پرداخته و درستی یا نادرستی فرضیه را به آزمون می گذاریم.

## ۱-۸- دامنه زمانی - مکانی:

دامنه زمانی: دوران حکومت پهلوی دوم از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷.  
دامنه مکانی: کشور ایران.

## ۱-۹- ضرورت‌ها و اهداف پژوهش:

هدف مد نظر این رساله این است که با استفاده از دیدگاه جامعه شناسی تاریخی به بررسی این امر پردازد که حکومت محمدرضا شاه پهلوی بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ چه اقداماتی در ایران انجام داد و این نکته را با استفاده از دیدگاه جامعه شناسی تاریخی بررسی خواهد کرد که چرا نتیجه این اقدامات به جای نوسازی ایران به بی ثباتی سیاسی ایران و نهایتاً سقوط حکومت پهلوی و وقوع انقلاب اسلامی ایران به رهبری نیروهای سنتی و روحانیت، انجامید.

در واقع مقصود اصلی این است که با بررسی امر نوسازی در ایران مشکلات و موانع مدرنیزاسیون در ایران (و به شکلی غیر مستقیم در جوامع جهان سوم که دارای ساختاری متفاوت از جوامع توسعه یافته غربی هستند) بررسی شود و از منظر جامعه شناسی تاریخی توهمات شناختی مربوط به این رویکرد و مشکلات روش شناختی آن مورد بررسی قرار گیرند.

## ۱-۱۰- اهمیت پژوهش:

اهمیت این موضوع به دو دلیل است یکی خود موضوع مورد بررسی یعنی نوسازی است که امروزه توسط کشورهای توسعه نیافته در پیش گرفته می شود و دیگری کشور ایران است که به عنوان کشور مادری دارای اهمیت بسیار بالایی می باشد. بنابراین نوسازی ای که در حکومت پهلوی انجام گرفت از جمله اقداماتی بود

که نه تنها به نوساری منجر نگشت بلکه ایجادکننده بی‌ثباتی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در کشور بود که با خود، سقوط حکومت پهلوی را نیز به عنوان یکی از بزرگترین انقلابات قرن بیستم، به همراه آورد و در حالی رخ داد که کمتر تحلیل‌گری در سال‌های حکومت محمدرضا شاه تصور چنین انقلابی را می‌توانست در ذهن داشته باشد و اکنون پس از بیش از سه دهه از سقوط حکومت پهلوی و با وجود مطالب فراوانی که پیرامون این حادثه نوشته شده است؛ هنوز نظریه‌ی جامع و کاملی نتوانسته است علت و یا علل وقوع آن را بیان نماید.

دلیل دومی که بر اهمیت این بررسی می‌افزاید چارچوب تحلیلی به کار گرفته شده در این پژوهش می‌باشد زیرا؛ با توجه به اهمیت بالایی که سقوط رژیم پهلوی در سطح داخلی (پایان یافتن ۲۵۰۰ سال حکومت پادشاهی در ایران و برقراری یک حکومت دینی و ...)، منطقه‌ای و بین‌المللی داشت؛ افراد و نظریه پردازان مختلفی در مورد علل و شرایط سقوط آن و علل وقوع انقلاب اسلامی اظهار نظر کرده‌اند که در میان این افراد برخی از آنها بر عامل اقتصادی و نوسازی شتابزده و توسعه ناهمگون زمان محمد رضا شاه، بعنوان عامل اصلی در سقوط حکومت وی اشاره کرده‌اند ولی با این وجود تاکنون کمتر پژوهشی در مورد نوسازی زمان شاه و سقوط این رژیم از دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی اظهار نظر کرده است که خود این امر نیز بر اهمیت این پژوهش می‌افزاید؛ تا شاید این پژوهش آغازی باشد که بتواند سطح تحلیل جدید و برگ تازه‌ای را پیش روی محققان در زمینه مطالعات و تحولات ایران بگشاید.

## ۱-۱- سازماندهی بحث:

پژوهش حاضر در ۵ فصل ارائه می‌گردد؛ که در فصل اول کلیات آن مورد بررسی قرار گرفت. فصل دوم به بررسی مبانی نظری پژوهش می‌پردازد و طی آن از جامعه‌شناسی تاریخی و نظریه مدرنیسمون بحث خواهد کرد و سعی خواهد شد نسبت روش‌شناسی این دو نظریه و تا حدودی نسبت روش‌شناسی دو تفکر انتقادی و پوزیتیویستی را بررسی نماید.

در فصل سوم که متغیرهای وابسته این پژوهش است به بررسی اقدامات حکومت پهلوی و کاستی‌های آن می‌پردازد و در این فصل سعی خواهد شد که بن‌بست‌ها و بی‌ثباتی‌های نظریه مدرنیسمون در ایران ۱۳۳۲-۱۳۵۷ بررسی و مشخص گردد.

در فصل چهارم که به بررسی متغیرهای مستقل پژوهش پرداخته می‌شود سعی دارد توهمات شناختی نظریه نوسازی در ایران را از منظر جامعه‌شناسی تاریخی تحلیل و بررسی نماید.

و فصل پنجم نیز به عنوان فصل پایانی پژوهش سعی می‌کند که ضمن ارائه یک نتیجه‌گیری کلی از بحث به بررسی فرضیه مورد ادعای این پژوهش بپردازد و ضمن رد یا اثبات آن بی‌ثباتی‌ها و علل سقوط حکومت پهلوی را مشخص نماید.

## فصل دوم

جامعه شناسی تاریخی و نظریه مدرنیزاسیون

## مقدمه:

جامعه‌شناسی تاریخی " به عنوان یکی از نظریات انتقادی " در برابر نظریات پوزیتیویستی قرار می‌گیرد. نظریات پوزیتیویستی معتقدند که با روش اثباتی می‌توان در مورد آینده جوامع برنامه‌ریزی کرد؛ در واقع این نظریات دانش را دانش تجربی می‌دانند و ضمن پذیرش وضع موجود با دانش تجربی می‌خواهند وضع موجود را به زمان‌های دیگر نیز تعمیم دهند. یکی از مجموعه نظریات دارای روش پوزیتیویستی نظریه مدرنیزاسیون است که در مورد توسعه جوامع معتقد به یک رویکرد جهانشمول و کلی است. در واقع نظریه نوسازی بر این باور است که می‌توان توسعه تمام جوامع را براساس مبانی و اصول تئوریک و اولیه مطرح شده توسط این رویکرد بررسی و امکان‌پذیر کرد و اصول تئوریک این نظریه نیز از دانش تجربی برگرفته از مدرنیزاسیون غربی گرفته شده است و معتقدند نوسازی دیگر جوامع نیز همانند نوسازی جوامع غربی مثبت و امکان‌پذیر خواهد بود.

نظریات انتقادی در برابر نظریات پوزیتیویستی، قرار می‌گیرند که ضمن رد اصول و مبانی نظریات اثبات‌گرایی معتقدند دانش را نمی‌توان به دانش تجربی صرف محدود کرد و به جای طبیعی دیدن جهان، پدیده‌های جهان را تاریخی می‌بینند. در کل اینکه نظریات انتقادی به دنبال ایجاد تغییر و رد وضع موجود هستند و در برابر نظریات پوزیتیویستی ارائه شده‌اند.

نظریه جامعه‌شناسی تاریخی نیز به عنوان یکی از نظریات رویکرد انتقادی در برابر نظریه نوسازی قرار می‌گیرند، که ضمن رد اصول کلی این نظریه در برابر خوش‌بینی نظریه مدرنیزاسیون معتقد است که امکان نوسازی به شکلی یکسان برای تمام جوامع وجود ندارد و بر این نظر است که روش‌شناسی و متدولوژی نظریه نوسازی که بر مبنای اصول کلی (فراتر از مکان و فراتر از زمان) برای رشد و نوسازی جوامع قرار گرفته است، نادرست می‌باشد. نظریه جامعه‌شناسی تاریخی معتقد است که نمی‌توان برای همه جوامع و همه دوران‌های تاریخی یک اصول کلی و یگانه و مطلق پیدا کرد و براساس آن اصول در یک مسیر مشخص و خطی تمام جوامع را به پیشرفت و نوسازی رسانید.

در این فصل ضمن بررسی نظریه جامعه‌شناسی تاریخی و نظریه مدرنیزاسیون و بررسی روش‌شناسی این